

رفورم پولی ژوئن ۱۹۴۸ آلمان فدرال

هادی صمدی *

مقدمه: بازسازی اقتصاد آلمان فدرال پس از جنگ جهانی دوم بردو ستون استوار بود یکی رفورم پولی ۲۰ ژوئن ۱۹۴۸ و دیگری پیماده کردن و استقرار نظام اقتصاد اجتماعی بازار یا سوسیاله مارکت ویرشانت (۱) که از مکتب فرایبورگ و نئولیبرالیسم تغذیه می‌شد. در این نوشتار، کوشش می‌شود در باره رفورم پولی مطالبی عرضه شود تا هم از تجربه تاریخی این کشور در زمینه بازسازی اقتصادی پس از جنگ آگاهی حاصل شود و هم به تطبیق نظریه مقداری پول در اقتصاد پس از جنگ آلمان اشاراتی گردد. قبل از آن ضرورت دارد به زمینه اصلی اقتصاد پس از جنگ آلمان فدرال ولو باختصار، اشاره شده به این پرسش پرداخته شود که آیا در آن شرایط، رفوم پولی تنها راه نجات آن کشور بود؟ و آیا نتایج بدست آمده از این رفورم، هدفهای پیش بینی شده مبتکران و طراحان آن را محقق ساخت؟

وضع اقتصاد آلمان پس از جنگ، پس از توافق های سران کشورهای متفق (آمریکا، انگلستان، شوروی) در کنفرانس های تهران (نوامبر و دسامبر ۱۹۴۳) و یالتا (فوریه ۱۹۴۵) و پوتسدام (ژوئیه و اوت ۱۹۴۵) که بعداً "فرانسه هم به عنوان یکی از چهار دولت غالب به آنها پیوست، پیش بینی شده بود که پس از تسلیم بدون قید و شرط آلمان - که در ۸ ماه مه ۱۹۴۵ اتفاق افتاد - سرزمین های شرق خط مرزی او درونایسه و سرزمین ساراز آلمان جدا شود و برای بقیه آن کشور، هر کشور غالب به نسبت اراضی تحت اشغال خود، حکومت نظامی بر قرار کند و برای اداره امور سیاسی و اقتصادی کل آلمان نیز کمیسیون نظارت مشترکی تشکیل گردد. سیاست اداری و اقتصادی دول فاتح ابتدا بر انتقام گیری و تنبیه آلمان مبنی بود و اساس این سیاست بر برنامه وزیر دارائی وقت آمریکا بنام مورگن تاو Morgenthau استوار بود که پیش بینی کرده بود آلمان از صورت یک کشور صنعتی خارج شود و مجدداً "کشاورزی گردد و ناحیه صنعتی روهر (Ruhr) بین المللی گردد بموجب تصمیم کشورهای اشغال کننده در ۲۸ مارس ۱۹۴۶ تولیدات کلی آلمان در حد ۵۰ تا ۵۵

درصد تولیدات سال ۱۹۳۸ محدود می‌شد و برای رسیدن باین هدف می‌بایستی از طریق پیاده کردن کارخانه‌ها به عنوان غرامت جنگ، ممنوعیت تولید کالاهاى صنعتى خاص و محدود کردن تولیدات عمومى کالاها اقدام کرد (۲) در کم کردن تولیدات صنعتى و کشاورزى علاوه بر پیاده کردن ۱۸۰۰ کارخانه عمده، جدا کردن اراضى حاصلخیز کشاورزى رایش سوم (آلمان دوران هیتلر) نیز موثر بود بدین معنا که ۲۵ درصد اراضى کشاورزى، ۲۵ درصد جنگل‌ها و مراتع و ۳۵ درصد ظرفیت صنایع سنگین قبل از خاتمه جنگ و ۴۰ درصد ظرفیت صنایع دیگر کم می‌شد. تخریب تاسیسات صنعتى توسط بمب و عملیات جنگى تا ۲۰ درصد، تخریب شبکه ارتباطى تا ۴۰ درصد تخمین زده می‌شد. کم شدن تولیدات نه تنها بعسل فوق، بلکه بعلت وارد نشدن مواد اولیه صنایع در سال ۱۹۴۶ در مجموع ۳۰ درصد سال ۱۹۳۸ برآورد می‌شد. (۳). گوستاواشتولپسر G. Stolper یکی از اعضای گروه کارشناسان آمریکائى که به سرپرستى هربرت هور H. Hoover و بدستور ریاست جمهورى وقت آمریکا در سال ۱۹۴۶ از آلمان بازدید کردند، مشاهدات خود را بدین نحو گزارش می‌کند: آلمان دو سال پس از تسلیم چنین بنظر می‌رسد: ملتى که عناصر حیاتی خود را بنحو غیر قابل جبرانی از دست داده است، ملتى که نیروى روشنفکرا و مضمحل شده است، ملتى که خانواده‌هاى آن بعلت از هم پاشیدگى بین اعضا: عملاً "از میان رفته است، ملتى که تمدن شهرى و صنعتى آن ناهود شده یعنى شهرها به تلى خاک تبدیل شده و کارخانه‌ها ریزورو شده اند. این ملت بدون خوراک و مواد اولیه، بدون شبکه ارتباطى بدرد خور و بدون سیستم پولى معتبر کاربرد در حال بلاتکلیفى و ابهام بسر می‌برد. بافت اجتماعى این ملت بوسیله فرارهای گروهى و توده‌ای مردم، مهاجرت‌های دسته‌جمعی و اسکان‌های اجبارى خانواده‌ها، متلاشى شده است. ملتى که دیون عظیم و معتنابه دولتى آن بیکباره باطل شده و شيقه‌های بانكى یا وسیله اشغالگران مصادره شده و یا بعلت سقوط ارزش پول داخلى، بى ارزش شده اند. . . . ملتى که با از دست دادن یک چهارم اراضى خود یا بهمان نسبت منابع آذوقه و خواروبار مردم را از دست داده و در آستانه تجزیه بین اشغال کنندگان غربى و شرقى قرار دارد و مردم آن در گرسنگى و قحطى و نومیدى دست و پا می‌زنند. (۴) ارقام دقیقى در دست نیست تا بتوان بطور کامل مقایسه کرد وضع کلی اقتصاد قبل از خاتمه جنگ و پس از آن با توجه به تجزیه این کشور - و آغاز رفورم پولى و اقتصادى از چه قرار بوده است جدول زیر شاید بتواند تا حدى وضع تولیدات صنعتى این کشور را اندکى قبل از پایان جنگ بازگو کند بدین ترتیب که سهم تولیدات گروه‌های مختلف صنعتى را در تولیدات خالص صنعتى بین، سال‌های ۴۴ - ۱۹۳۸ بدرصد نشان دهد: (۵)

گروه‌های صنعتی ۱۹۳۸ ۱۹۳۹ ۱۹۴۰ ۱۹۴۱ ۱۹۴۲ ۱۹۴۳ ۱۹۴۴

۲۱	۲۱	۲۲	۲۵	۲۵	۲۴	۲۱	صنایع اساسی و سنگین
۷	۹	۱۶	۱۶	۲۲	۳۱	۴۰	صنایع نظامی تسلیحات
۲۵	۲۳	۱۵	۱۳	۹	۶	۶	صنایع ساختمانی
۳۱	۲۹	۲۹	۲۸	۲۵	۲۳	۲۲	صنایع مصرفی
۱۶	۱۸	۱۸	۱۸	۱۹	۱۶	۱۱	بقیه تولیدات صنعتی

وبازار قام زیرماهیت اقتصاد جنگی دوران حکومت خودکامه هیتلر را بهتر نشان می‌دهد:

۱۹۳۹	۱۹۴۰	۱۹۴۱	۱۹۴۲	۱۹۴۳	کل مخارج تسلیحاتی و نظامی به میلیارد رایشه مارک:
۳۲/۳	۵۸/۱	۷۵/۶	۹۶/۹	۱۱۷/۹	درصد مخارج تسلیحاتی و نظامی در کل مخارج دولتی
۶۹	۷۸	۷۶	۷۸	۸۱	درصد مخارج تسلیحاتی و نظامی در کل تولید ناخالص ملی
۲۳	۴۰	۵۲	۶۴	۷۰	

برچنین زمینه اقتصادی بود که آلمان شکست خورد. در اینجا اشاره بدین نکته ضروری است که روحیه انتقام جوئی و تنبیه دول فاتح غرب به چند علت زیر تعدیل و تعویض شد:

۱ - گزارش هربرت هوور بریاست جمهوری آمریکا دایر بر اینکه برای بازسازی کشاورزی آلمان و کشاورزی مجدد این کشور، لازم است حداقل ۲۵ میلیون آلمانی جابجا شوند یا نابود گردند بنابراین باید از کشاورزی کردن آن صرف نظر شود - ۲ - اروپا بدون کمک و شرکت موثر آلمان نمی‌تواند در بازسازی خود نقش‌بازی کند چه آلمان بصورت تولید کننده کالاهای سرمایه ای درآید و چه بصورت بازار مصرف در نظر گرفته شود - ۳ - شروع جنگ سرد بین

شرق و غرب و تجزیه آلمان به آلمان فدرال و آلمان دموکراتیک. در نتیجه دول غرب در برنامه مورگن‌تاوتجدید نظر کردند و انتقام گیری جای خود را به کمک‌رسانی سپرد. گفتنی است که در پایان جنگ حجم پول برای تامین مالی تسلیحات بحد زیادی افزایش یافته بود که براین مبلغ باید ۱۵ تا ۱۸ میلیارد رایش مارک. مخارج قوای اشغالگر را افزود. (۶).

اگر بخواهیم نظام اقتصادی دوران هیتلر را که آثار زیان‌بار آن به بعد از جنگ انتقال یافت باختصار تعریف کنیم، باید بگوئیم این نظام، نظامی متمرکز، اجباری، برنامه‌ای با دخالت و نظارت‌های زیاد دولت در همه امور اقتصادی بود بیشتر کالاها با جیره‌بندی کامل دولتی، توزیع می‌گردیدمزدها از طرف دولت تعیین می‌شد و کلیه مبادلات با خارج در انحصار دولت بود. وقتی جنگ با شکست کامل آلمان خاتمه یافت طبیعی است که با ازم پاشیدن آن نظم متمرکز استبدادی، در عرضه فعالیت‌های اقتصادی و مبادلات چیزی جز هرج و مرج و بی‌تکلیفی نمی‌توانست برقرار شود. قوای اشغالگر کوشیدند از طریق قوانین نظامی، نظم اداری و سیستم جیره‌بندی‌نازیها را ادامه دهند تا فقر و ناامنی و امراض و هرج و مرج بیشتر ادامه نیابد بویژه آثار و ضایعات انسانی جنگ نیز زیاد بود چرا که ۳/۷ میلیون در جنگ کشته شده بودند، حدود نیم میلیون نفر مردم بی‌پناه از پای درآمده بودند، ۱/۷ میلیون نفر ناپدید شده بودند و ۱/۷ میلیون نفر تانوامبر ۱۹۴۷ در اسارت بودند و از همه بدتر بیش از ده میلیون نفر از نواحی شرقی اروپا و از ترس انتقام گیری ملل شرق اروپا ارتش سرخ به غرب سرازیر شده بودند. مردم از نظر تغذیه به شدت در رنج بودند و وضع مسکن بسیار رقت بار بود بطوریکه در هر اتاق ۵ تا ۶ نفر زیست می‌کردند یا اکثراً "در زیر زمین‌ها و اتاقک‌های حلبی و راهروها و ایستگاه‌های راه آهن‌ها شب را به صبح می‌رسانیدند. توزیع خواروبار که در روز سرانه تا میزان تامین ۱۳۰۰ کالری تعیین شده بود بین سال‌های ۴۸ - ۱۹۴۵ تا این میزان هم تامین نمی‌شد. دو برنامه کمک‌های بشر دوستانه آمریکا یعنی GARIOA و CARE (۷) توانست تا حدی از وخیم تر شدن اوضاع جلوگیری کند ولی نتوانست نارسائی‌ها را از میان بردارد. از همه بدتر تورم نازنده‌هایی بود که پس از جنگ و در دوران جیره‌بندی آن زمان سرباز کرده و آشکار شده بود توضیح اینکه آلمانی‌ها برای تورم متراکم و انباشته شده مخفی دوران هیتلر اصطلاح خاص: Zurückgestaute Hyperinflation بکار می‌برند که در حقیقت بیانگر شدیدترین نوع تورم مخفی است. با پایان گرفتن جنگ و استقرار دوران سه ساله هرج و مرج (۴۸ - ۱۹۴۵) شیوع انواع بازارهای سیاه کالاها امری طبیعی می‌نمود و احد پول از پول رسمی

(رایشه مارک RM) عملاً "به کالاهای دیگر بویژه سیگار آمریکایی وانگلیسی بدل شده بود . یکی از محققان می‌نویسد: سود حاصل از فروش ۴۰ سیگار در بازار سیاه برابر با مجموع دریافتی یک کارگر عادی در طی دو هفته کار بود (۸) . اینک قبل از پرداختن به ماجرای رفورم پولی چند کلمه راجع به تعریف و مفاهیم آن ذکر می‌شود :

تعریف رفورم پولی و مفاهیم آن: تحت عنوان رفورم پولی در این مقاله شیوه جدیدی از سیستم پولی یک کشور، فهمیده می‌شود که به نظم پولی در حال تخریب قبلی آن خاتمه دهد و مقدمات لازم برای اقتصاد پولی کار آرا و کاربر را فراهم آورد و اینکار توسط دولت بموجب قوانین مصوب آن کشور انجام می‌گیرد . بنابراین در رفورم پولی فقط به جابجایی یا تجربه فنی تنهادست زده نمی‌شود که مثلاً "بجای این سکه یا آن اسکناس، سکه یا اسکناس جدید با شکل و ترکیب و وزن تازه وارد مبادلات شود . البته در هر رفورم پولی بجای پول قدیم ، پول جدید بکار می‌افتد یعنی مرحله فنی انجام می‌شود اما رفورم پولی بهمین اکتفا نمی‌کند چرا که تنها با تعویض پول و انجام مرحله فنی کار ، رفورم پولی مفهوم واقعی نخواهد داشت بلکه رفورم پولی وقتی واجد ارزش و دارای مفهوم خواهد بود که تغییر بنیادی در روند سیاستهای اقتصادی فعلی و حتی هدفگیریهای اقتصادی را با نجام رساند و نظام پولی در حال ناهودی یا اختلال را به اقتصاد پولی کاربر تبدیل کند بنابراین استقرار ثبات پولی یکی از هدفهای اصلی رفورم پولی می‌تواند باشد ولی تنها هدف نیست . یک اقتصاد کار آرا و موثر پولی عبارتست از یک سیستم اقتصادی که در آن پول نه تنها وسیله عمومی مبادله و جابجایی کالاها و خدمات باشد بلکه کاربرد آن محدود و منحصر بموارد خاص نباشد زیرا تمام خریداران و فروشندگان به وسیله پرداخت یعنی پول خود را انجام می‌دهند بطوریکه پول قدرت خرید دائمی دارد و این قدرت خرید نسبتاً " ثابت است و چنانچه برعکس برای مبادلات بین افراد و عاملان اقتصادی محدودیتی یا امتیازاتی برقرار باشد در این صورت قدرت خرید پول تماماً " یا مقداری از آن محدود می‌شود و سیستم اقتصادی وسیله هدایت کننده درستی در اختیار نخواهد داشت .

اگر بپذیریم که هر سیستم اقتصاد پولی چهار شرط یا مقدمه وجودی لازم دارد که باید تحقق یابد تا مبادلات اقتصادی بدون اختلال ادامه یابد ، در این صورت رفورم پولی هدفهای گوناگونی را می‌تواند تعقیب کند . چهار شرط لازم برای استقرار نظام پولی خوب عبارتند از: ۱- وجود یک واحد محاسبه عمومی موثر ۲- وجود یک سیستم بانکی و به همراه آن وجود مقدار معین و مشخص از پول ۳- آمادگی افراد اقتصادی که وسیله پرداخت یاد شده یعنی پول را در مبادلات خود بکار اندازند و بدان اعتماد کنند ۴- وجود علاقه

وشوق افراد به نقد نیگی یعنی تعامیل باینکه پول رابه صورت ثروت و مکننت در اختیار بگیرند .
و اما اختلال و آشفتگی در سیستم پولی می‌تواند علل متعدد داشته باشد که اغلب این
علل اقتصادی صرف نیست بلکه سیاسی است .

بدین معنا که دولت‌ها اکثر ابرای تامین مالی مخارج جنگ و یا پرکردن کسری‌های پی‌درپی
بوجه دولتی با اقداماتی دست می‌زنند که حاصل آن ازدیاد حجم پول و آشفتگی در مبادلات
اقتصادی و از همه بدتر ایجاد تورم تا زنده آشکار یا غیر آشکار است به این ترتیب رفورم
پولی بر حسب شیوه‌های تامین مخارج جنگی یا کسریهای بودجه عمومی دولت فرق می‌کند
و نظم پولی جدید باین علل بر می‌گردد . مثلاً " رفورم پولی لازم برای مبارزه با تورم علنی
فرق می‌کند با رفورم پولی ناشی از تورمی که دولت‌ها می‌کوشند آن را از طریق جیره بندی
و کنترل شدید قیمت‌ها (قیمت گذاری دولتی) مخفی کنند . باین ترتیب هر رفورم پولی
ضرورت‌های تاریخی و مقدمات خاص خود را دارد و همین امر باعث می‌شد که نتوان گفت
چه نوع رفورم پولی بهترین آن خواهد بود تا فلان هدف اقتصادی را تحقق بخشد و از
آنجا که حجم و اندازه آشفتگی و اختلال در سیستم پولی متفاوت است و متفاوت هم ارزیابی
می‌شود ، هدف‌هایی که تعقیب می‌شوند نیز متفاوت خواهند بود لذا طبیعی است که راه‌های
تعقیب و انجام رفورم‌های پولی اکثراً " با هم متفاوت خواهند بود . از طرف دیگر از آنجا
که تدابیر اصلاح پولی در طبقات مختلف جامعه آثار متفاوتی را سبب می‌شود یعنی
برخی متضرر و برخی منتفع می‌شوند ، لذا ضرورت دارد که در هر رفورم پولی مستقیم یا
غیر مستقیم به مساله جبران خسارت وارده و ناشی از رفورم پولی پرداخته شود و اینکار
ممکن است جزو ارکان رفورم پولی یا تبعات و آثار آن و یا هم بصورت اصلاحیه و تجدید نظر
در قوانین رفورم پولی مطرح شود .

اینک با این مقدمات می‌رویم بر سر موضوع رفورم پولی آلمان در سال ۱۹۴۸ با
توجه باینکه در این کشور رفورم پولی سابقه داشته است بویژه در پس از جنگ اول جهانی
(۱۹۲۲) که طرح و بحث در آن خارج از موضوع مورد بحث کنونی است .

علل رفورم پولی آلمان غربی در سال ۱۹۴۸ : به علل و انگیزه‌های ضرورت انجام
این رفورم پولی تا حدی در مقدمه اشاره شد منتها در اینجا تاکید می‌شود که علل اصلی
رفورم پولی ۱۹۴۸ را باید در همان زمان بدست گرفتن قدرت وسیله نازیها یعنی در سال
۱۹۳۳ جستجو کرد که سرآغاز تورم عظیم بعد بحساب می‌آید بدین معنا که آغاز تورم
را باید در بکار افتادن سیاست تسلیحاتی دولت نازی و آمادگی جنگی آن کشور بسال
۱۹۳۶ مربوط کرد . تامین مالی این سیاست تسلیحاتی ، مشخصات و ویژگی‌هایی داشت که

می‌توان از آنها به عنوان یک سیستم مالی فوق العاده مکارانه و موزورانه یاد کرد و در سه صفت خلاصه می‌شد:

این سیاست تامین مالی تسلیحاتی بی‌سروصدا انجام گرفت. آثار داخلی آن را در سیستم پولی از طریق وضع دستورات دولتی برای قیمت‌ها و توقف و انجماد اداری قیمت‌ها (۹) موقتاً حذف می‌کردند و آثار خارجی آن را از طریق اعمال سیاست اقتصاد کنترل از دولتی و تشکیل کمیسیون نظارت براردها یا دولتی کردن ازرها (۱۰) تحت کنترل خود در می‌آورند اما پیوسته با افزایش مداوم وسایل پرداخت دولتی با عناوین مختلف که از آنها می‌توان به عنوان اوراق قرضه دولتی یا وسایل پرداخت دولتی (۱۱) یاد کرد لاینقطع برحجم پول در جریان می‌افزادند و بانکها هم طبق دستور مقامات دولتی برای این نوع وسایل پرداخت قابلیت نقدنیگی زیاد قائل بودند و براهتی این اوراق در میان بانکهای تجارتنی جریان می‌یافت به عبارت دیگر سیستم پول سازی و پول آفرینی یا اعطای اعتبارات بانکها بدون مشکل کار می‌کرد و در آن میان موضوع بازپرداخت بدهی‌های دولت به سیستم بانکی، نقشی بازی نمی‌کرد و مقدار زیادی هم از سرمایه‌ها و سپرده‌های بانکها همین بدهی‌های دولتی بحساب می‌آمد. با همین سیاست پولی و مالی بود که هیتلر توانست اقتصاد آزاد دوران صلح را به اقتصاد اداری دوران جنگ بدل سازد. یک دستور شدید و غلیظ توقف و انجماد قیمت‌ها در سال ۱۹۳۶ و یک فرمان خشن دولت نازی برای انسداد و انجماد دستمزدها و کنترل آنها در سال ۱۹۳۸ سیر روز افزون تورم را به عقب راند و تورم علنی موجود را به تورم مخفی بدل ساخت و تمام این اقدامات با استقرار سیستم جیره‌بندی شدید همه کالاها و نیازها آنها هم تحت عنوان عوام فریبانه، توزیع عالانه کالاها تکمیل گردید. باین ترتیب تامین مالی نیازهای جنگی به بهاء از دست رفتن نظامات و مکانیسم‌های طبیعی اقتصاد بازار تمام شد و نتیجه ملموس آنها افزایش زیاد حجم پول بود. در جبهه بازرگانی خارجی، این مسائل با درپیش گرفتن سیاستهای درهای بسته یا آنچه خود آلمانها می‌گفتند. "خود بسندگی"، (۱۲) توسط هیتلر - دکتر ساخت برطرف می‌شد و نظارت دولت بر ارزها بحد اعلائی خود رسید بطوریکه از سیستم اقتصاد آزاد و مبادله لیبرال اصلاً نمی‌شد حرف زد. تشریح این وضع را می‌توان در چند بند زیر از هم تفکیک کرد تا بروشنی موضوعات کمک شده باشد:

۱ - حجم پول و مقدار بدهی‌های حکومت رایش سوم (دولت نازی) (۱۳). در سال ۱۹۳۳ حجم پول در جریان ۳/۳ میلیارد مارک رایش (RM) بود که با آغاز سیاست تسلیحاتی هیتلر در سال ۱۹۳۶ این رقم به ۴/۵ میلیارد مارک، بالغ شد. با آغاز جنگ

این رقم به دو برابر رسید و در پایان جنگ مقدار پول در جریان به ۷۳ میلیارد رایش مارک رسید. برای مبلغ باید رقم / ۱۰۰ میلیارد رایش مارک بستنکاریهای بانکها و ۱۲۵ میلیارد رایش مارک حسابهای صندوقهای پس انداز را افزود بطوریکه مجموع ۶۰ میلیارد مارک رایش در سال ۱۹۳۳ در پایان جنگ برقم تقریبی / ۳۰۰ میلیارد رایش مارک افزایش یافته بود از طرف دیگر بدهی ها و دیون دولت رایش که در سال ۱۹۳۳ بالغ بر ۱۲/۳ میلیارد رایش مارک بود در آغاز جنگ به ۳۷ میلیارد رایش مارک و در پایان جنگ برقم / ۴۰۰ میلیارد رایش مارک رسید که قسمت اعظم آن صرف مصارف جنگی شد و شاید حدود ده میلیارد آن از طریق درآمدها باز پرداخت شهر بطوریکه باز هم رقم ۳۹۰ میلیارد رایش مارک بدهی و دیون دولت به سیستم بانکی بوده است. اگر ارقام غرامتها و جبران خسارت داخلی جنگ را به حساب دولت بیفزاییم رقمی بین ۶۰۰ تا ۸۰۰ میلیارد رایش مارک، دیون دولت حدس زده می‌شد.

۲- مشکلات پس از جنگ، در این باره بحد کافی در مقدمه اشاره شد در اینجا فقط اضافه می‌شود که بر اثر تورم روز افزون و کمبود شدید کالاها، ارزش پول داخلی بسیار تنزل کرد. رابطه پول داخلی با خارج بکلی قطع گردید. ادامه جیره بندی و شدت عمل قوای اشغال کننده در این مورد وضع را بدتر کرد. بانکها و شرکت‌های بیمه و صندوقهای پس انداز مطالبات مستقیم و غیر مستقیم هنگفتی از دولت رایش داشتند که در بیلان حسابهای آنها منعکس بود ولی عملاً "با پایان گرفتن جنگ این مطالبات بی ارزش شد و از بین رفت. در سه منطقه اشغالی غرب این مطالبات در بیلانهای بانکهای بازرگانی و غیر بازرگانی منعکس بود. در این شرایط ادامه سیستم جیره بندی از سوی اشغالگران، موجب رواج بیش از حد بازارهای سیاه گردید بطوریکه می‌توان گفت بازار سیاه برای همه کالاها برقرار بود و کارتامین نیازهای مردم شکست خورده و نومید و بیکار را با مشکلات عدیده مواجه می‌کرد بحدی که لزوم رفورم پولی و استقرار نظام اقتصادی تازه، بسیار احساس می‌شد. از نظر سیاسی با آنکه قرار بود طبق مفاد پیمان پوتسدام تمام مناطق آلمان بصورت واحد تحت اداره مشترک متفقین قرار گیرد اما از همان ابتدا دو منطقه اشغالی آمریکا و انگلیس از یکطرف و شوروی و فرانسه از سوی دیگر هر کدام راه خود را رفتند. مناطق تحت اشغال آمریکا و انگلیس تشکیل واحد "مناطق دوگانه" (۱۴) را دادند و اداره آنها از نظر اقتصادی بصورت قلمرو اقتصاد واحد، انجام گرفت. پروفسور هانس مولر Hans Möller استاد اقتصاد دانشگاه مونیخ که در رفورم پولی نقش مهم و تعیین کننده داشت از قول لئونارد میکش L. Miksch کارشناس پولی آن زمان وضع بد اقتصادی آن موقع که لزوم رفورم پولی

ریشه ای و موثر را لازم و حتمی می‌کرد، بدین شرح یادآوری می‌کند: "بی‌اثر بودن پول و انحراف آن از کارآئی خود از اواسط سال ۱۹۴۶ بطور چشمگیری پیش می‌رفت. شیوع و رواج مبادله طبیعی (کالا به کالا) ابتدا از طریق ازکار افتادن سیستم ارز دولتی پس از جنگ بوجود آمد و پس از مدتی کوتاه سبب شد که سیاست پولی بصورت امری تخیلی و غیرواقعی درآید زیرا با قیمت‌های معین شده دولتی عملاً هیچ کالایی مبادله نمی‌شد. " خود مولر می‌نویسد: " در چنین شرایطی، افزایش تولید غیر ممکن بود. بویژه تا زمانی که کارگردر مقابل پولی خدمت و کار خود را عرضه می‌کرد که به مراتب بدتر از کسانی بود که اصلاً کار نمی‌کردند و فقط از گذشت زمان بهره می‌بردند یعنی مبادلات بازرگانی خود را به‌گذشت لحظه‌ها و روزها وابسته کرده بودند. به عبارتی دیگر فرصت طلبان از فرصت و زمان استفاده می‌کردند تا به موقع در جریان مناسبات اقتصادی و مبادله داخل شوند و این امر تا وقتی ادامه می‌یافت که صاحبان اموال و دارندگان کالاها بخارج از محیط بازار تاراندن شوند و بدیهی است که افزایش صادرات ممکن نبود زیرا صادرات با توجه به قیمت‌های دیکته شده داخلی، نوعی معاملات زیان‌آور به‌شمار می‌آمد و درحقیقت در داخل سهم ناچیزی از کالاها با این قیمت‌های دستکاری شده دولتی مبادله می‌شد و بقیه یعنی قسمت اصلی آنها در بازارهای سیاه مبادله و فروخته می‌شد و براین اساس افزایش واردات نیز اثر زاینده و مثبتی نداشت زیرا کالاها و تولیدات وارداتی یا تولیداتی که بر اثر کالاهای وارداتی ایجاد می‌شوند و به آنها وابسته بودند فوراً "در بازار مفقود می‌گردیدند آنهم برای حفظ ارزش آنها در برابر افزایش قیمت‌ها و تورم داخلی یعنی در حقیقت احتکار واردات، عملاً ضروری می‌نمود. " (۱۵) باین ترتیب می‌توان گفت مبادلات پولی در پرداخت‌های داخلی و خارجی بطور کامل از کار افتاده بود:

۳- آغاز بحث درباره هدفها و روشهای رفورم پولی: از نظر تئوری سه شیوه برای حذف پولهای زائد و کم کردن پول در جریان قابل تصور است یا باید قدرت خرید پولی را از طریق افزایش دادن همه قیمت‌ها و مزدها کم کرد یا اینکه ارزش رسمی تمام مقادیر پول موجود را متنزل داد بدون اینکه سطح مزدها و قیمت‌ها متنزل کند و یا اینکه پول زیادی را از طریق تدابیر اقتصادی و مالی بتدریج از گردونه خارج کرد که در این صورت تشبیه سیستم قیمت گذاری و مزدبندی دولتی و سیاست کنترل دستمزدها و مکانیسم نظارت و دخالت دولت برارزها، ضروری می‌نماید تا بتوان بوسیله تدابیر مالی درآمدها را کم و پول زائد را از گردونه خارج و سپس نابود کرد یعنی آن مقدار از تفاضلی زیادی را که پول اضافی بکار می‌برد، از بین برد که البته راه سوم خالی از اشکال نیست و اما ببینیم در آن

موقع آلمان ، اندیشه ها درچه مسیری حرکت می کرد مطالعه رفورم پولی آلمان نشان می دهد که در آن موقع می کوشیدند هر سه شیوه را باهم ترکیب کنند توضیح اینکه نخستین مقدمات رفورم پولی به سالهای آخر جنگ برمی گردد که البته به طور مخفی در محافل تخصصی در جریان بود و اولین بحث و جدل علنی کارشناسان پولی آلمان در این زمینه به سال ۱۹۴۵ در فرانکفورت انجام شد . در این گفتگوها ضرورت رفورم پولی مطرح بود و بر آن تاکید می شد اما برداشت واحد و روشنی از اهداف و وظایف چنین رفورمی وجود نداشت . کارشناسان یاد شده می گفتند باید مقادیر اضافی پول را به طور قطع و به طور ریشه ای نابود کرد و بدهیهای مانده از دولت را ایش سوم را به نحوی قلم زد تا با انجام آنها ممکن شود نظم جدیدی برای دارائی های موسسات اعتباری و تولیدی برقرار گردد . آنان در آن موقع راههای زیر را مطرح می کردند : راه نخست از آنجا که مقادیر پول اضافی بر اثر اعطای اعتبارات و پول آفرینی بانکها و موسسات اعتباری (۱۶) در شرایط نرخ گذاری دولتی قیمت ها و او انجامد آنها انجام گرفته بود ، کافی است با رفع این نوع تثبیت و انجامد قیمتها یعنی با آزاد سازی آنها و تحقق بازار آزاد ، پولهای زائد را حذف کنند و در این صورت مساله بدون تدابیر مهم پولی قابل حل نخواهد بود . بدیهی است در این صورت تورم مخفی بصورت تورم علنی و آشکار درمی آید . اما در مراجع صلاحیتدار مسوول هرگز چنین امری یعنی آزاد سازی قیمتها بطور جدی مورد توجه قرار نگرفت و از آنجا که مقامات یاد شده درباره حجم و وسعت تقاضای پولی و چگونگی توزیع آن بطور دقیق در جریان نبودند لذا نمی توانستند نتایج اجتماعی و احیانا " منفی آزاد سازی قیمتها را در نزد خود مجسم سازند مضافا " اینکه برای افزایش تدریجی و حساب شده قیمتها ، امکانات فنی در اختیارشان نبود . بعلاوه ترس از اینکه در صورت بروز تورم آشکار ، پیوسته تورمهای آشکار بعدی ، زنجیروار بدنبال می آید و مثل پس از جنگ جهانی اول به تورم تازنده و عظیم علنی تبدیل شود و همه محاسبه ها را نقش بر آب سازد ، آنان را به شدت نگران و دچار تردید می کرد .

راه دوم : راه حذف تدریجی پولهای زائد از طریق مالیاتی بود که به مشکلات دیگری برخورد می کرد از جمله چگونگی انتخاب پایه و شالوده محاسبه و نوع نابود کردن پولهای بدست آمده .

راه سوم : بجای اینکه پولهای زائد را از طریق مالیاتها جذب و سپس حذف کنند ، ممکن است آنها بیکباره انجام دهند و سرمایه های پولی و جنسی را مشمول مالیات قرار دهند و اینکار هم مستلزم این بود که سرمایه های جنسی و مالی را عینا " مثل سرمایه های

پولی مورد عمل قرار دهند که در این صورت مساله جبران و تسویه خسارات احتمالی (۱۷) مطرح می‌شود. با این کار سودهای حاصل از جنگ و تسلیحات از طریق نوعی مالیات بر ثروت فوق‌العاده، جذب می‌شد و ثروتهای پولی با قلم کشیدن بروامهای دولتی تا میزان ۷۰ تا ۸۰ درصد آنها، کم می‌گردید.

راه چهارم: در برابر این راه‌حلهای پیوسته این موضوع مطرح می‌شد که آیا هدف رفورم پولی قابل تحقق خواهد بود؟ در این زمینه دو مورد دیگر هم مورد توجه قرار می‌گرفت یکی مسدود کردن حساب پولها (بلوکه کردن) و دیگری درهم ادغام کردن و خط کشیدن بر همه پولهای زائد که هردوی این شیوه‌ها نیازمند قابلیت تطابق جدی پول جدید با وضع تازه و وجود امکانات تصحیح و اصلاح در مراحل اجرائی رفورم پولی بوده. در صورت مسدود کردن حساب پولهای زیاد، لازم بود دقیقاً "تامل شود که با پولهای حساب‌های بلوکه شده چه باید کرد؟ خطر نفوذ و رسوخ چنین پولهایی به بازار پیوسته وجود داشت بعلاوه مساله تسویه و جبران خسارات ناشی از رفورم پولی، فوری تر و خطیرتر می‌نمود.

راه پنجم: اگر بخواهند از آثار و نتایج منفی اصلاح پولی در امان باشند آخرین راه حل، موضوع درهم ادغام کردن و حذف کردن حجم پول بود که ممکن و معقول بنظر می‌رسید در این صورت مساله جبران و تسویه و خسارت ناشی از رفورم را می‌توان بزمان اجراء یا بعد از آن موکول کرد. در این زمینه مساله اساسی چگونگی برخورد با وامهای خصوصی افراد است که فی‌المثل آیا باید این نوع وامها را بمنزله پول نقد بحساب آورد یا مثل پول موجود در حساب بستانکاری موسسات اعتباری؟

برنامه‌های متعدد: پروفسور هانس زاورمان H. Sauermann تعداد پیشنهادها و طرحهایی که برای رفورم پولی آلمان فدرال تهیه و ارائه گردیده بود به دو بیست تخمین می‌زند در حالیکه پروفسور هانس مولر تعداد آنها را بالغ بر ۲۵۰ طرح و پیشنهاد می‌داند که این طرحها اکثراً "در جزئیات با یکدیگر تفاوت داشتند ولی در اصول یکی بودند جزو اولین برنامه‌هایی که از طرف مقامات آلمانی در نوامبر ۱۹۴۵ عرضه شد طرح دتمولدر سه موراندوم Detmolder Memorandum بود که نتیجه کار کارشناسان مالی و پولسی منطقه اشغالی انگلیس بود وجه مشخصه آن از جریان خارج کردن پولهای زائد و مسدود کردن حساب پولهای زائد بود. از طرف جامعه اقتصادی ایالت بایرن (مونینخ) و سندیکای کارگران آلمان و حزب سوسیال دمکرات SPD نیز برنامه‌هایی ارائه شد که نشان می‌داد اتحادیه‌های کارگری و حزب چپگرای سوسیال دمکرات نیز بر ضرورت اعمال رفورم پولی معتقد شده‌اند. هم‌چنین از طرف وزیر دارایی آنوقت ایالت هسن (فرانکفورت)

نیز برنامه‌ای مطرح شد که حذف و کم کردن پولها را تا میزان ۸۰ درصد موجودیهای مطرح می‌کرد اما در میان این برنامه‌ها، برنامه فرماندهی نظامی آمریکا از همه مهمتر بود که در سال ۱۹۴۶ توسط عده‌ای کارشناس مالی و پولی زیر نظر گرهارد کولم Gerhard-Colm و رایموند گلداسمیت Raymond-Goldsmith و ژوزف داج Josef-Dodge آماده شده بود و همین برنامه^۱ زمینه بحث و گفتگو بین مقامات چهار دولت اشغالگر قرار گرفت طبق این برنامه می‌بایستی پول موجود را به نسبت ۵ به یک %: ۱۰ تنزل داد و برای جبران و تسویه خسارات ناشی از آن قواعد خاص وضع نمود. اولین اختلاف آمریکایی‌ها و روسها درباره^۲ رفورم پولی در باره محل چاپ اسکناس جدید بود که روسها می‌گفتند باید اینکار در برلین و لایپزیک انجام شود در حالیکه آمریکایی‌ها برلین را آنهم با کنترل شدید متفقین پیشنهاد می‌کردند. وقتی معلوم شد که توافق برای رفورم پولی آلمان بین چهار دولت وجود ندارد، کمیسیون امور مالی و اقتصادی دو منطقه غربی (انگلیس و آمریکا) برای رفورم پولی اداره مخصوصی بنام اداره پول و اعتبار تشکیل داده و این اداره برای رفورم برنامه‌ای تنظیم کرد که مشهور به هومبورگر پلان Homburgerplan شد و خلاصه آن در این امر تجلی می‌کرد که پولهای زائد در حسابهای ثابتی مسدود شوند و پس از آن بتدریج و برحسب شرایط و موقعیت اقتصادی تمام یا قسمتی از آنها آزاد گردد. طبق این برنامه دیون افراد خصوصی باید همچنان دست نخورده باقی بماند تا نسبت بدارندگان ثروتهای مادی و جنسی ضرر نکنند اوراق بهاء دار به نسبت انواع پول نقد، از مزیت بیشتری برخوردار گردند. به محض اینکه قوای نظامی متفقین در آغاز سال ۱۹۴۸ مصمم شدند، مقدمات فنی رفورم پولی را فراهم آورند کارشناسان آلمانی هم در اینکار شریک شدند مخصوصاً آنها که در اداره پول و اعتبار یاد شده بکار مشغول بودند. دو برنامه اصلی یکی توسط کولم - اسمیت - داج و دیگری توسط گروه کارشناسان آلمانی هومبورگر پلان در انجمن سری کنکلاو (۱۸) در برابرهام قرار گرفتند. اولین اختلاف بین کارشناسان انجمن سری این بود که آیا باید ابتدا صبر کرد تا رشد اقتصادی و افزایش بازدهی نیروی کار تحقق یابد و سپس رفورم پولی را پیاده کرد یا اینکه با انجام رفورم پولی راه را برای رشد اقتصادی و افزایش تولید هموار ساخت آنان خیلی زود به توافق رسیدند بدین ترتیب که شرایط لازم برای یک اقتصاد شکوفارشد سالم اقتصادی پیاده کردن و تحقق رفورم پولی موثر است. در اینجا لازم است بدو موضوع دیگر اشاره شود یکی چاپ اسکناس در آمریکا بود که تا پایان سال ۱۹۴۷ بانجام رسید و آمریکائیان کلیه عملیات چاپ و نقل و انتقال آن به نقاط مورد اطمینان خود در آلمان را تحت عنوان عملیات مخفی نظامی

Operation Bird Dog استتار کرده بودند دیگر تشکیل انجمن سری کارشناسان برای پیاده کردن و بررسی مشکلات احتمالی حین اجرای رفورم پولی یا کنکلاو بود که نظر با اهمیت موضوع لازم است این مطلب در زیر بطور جداگانه مورد بررسی قرار گیرد ولی اضافه می‌شود که پیشنهاد روسها برای تشکیل بانک مرکزی واحد برای تمام آلمان از طرف کمیسیون کنترل برآلمان یعنی فرانسه و انگلیس و آمریکا رد شد روسها رسماً " در ۲۰ مارس ۱۹۴۸ از این کمیسیون بیرون رفتند .

کمیسیون سری کنکلاو Konklave: قبل از بیان کار کمیسیون سری ، ضروری است اشاره شود که لودویگ اهارارد پس از زوری کار آمدن خود در ژانویه ۱۹۴۸ ابتدا به سمت مدیر اجرایی امور اقتصادی دو منطقه غربی و سپس وزیر اقتصاد آلمان فدرال فوراً به تشکیل شورای اقتصادی مرکب از ۲۰ نفر از برجسته ترین متفکران اقتصادی آن موقع دست زد که در آن گروه نئولیبرال اکثریت داشتند . اهارارد ابتدا تمام مسائل و مباحث مهم اقتصادی را در این شورا مطرح می‌کرد و سپس روی نظرات آنان تصمیم می‌گرفت . در تاریخ ۲۰ آوریل ۱۹۴۸ کارشناسان دهگانه پولی و مالی منتخب از شورای اقتصاد دو منطقه آمریکا و انگلیس (۱۹) تحت نظارت سرهنگ استاکر Stocker افسر فرمانداری نظامی آمریکا در یک اتوبوس نظامی به نقطه نامعلومی منتقل شدند و گروهی سری و مخفی تشکیل دادند که به متابعت از انجمن سری کاردینالها و اسقف های اعظم برای انتخاب پاپ اسم آنرا کنکلاو گذاشتند بعداً " معلوم شد که این نقطه مخفی پادگان نظامی نزدیک شهر کاسل Kassel بوده است . ترکیب این افراد طوری بود که از تمام مناطق سه گانه غربی و موسسات بانکی مهم و احزاب سیاسی آلمان غربی در آن نمایندگان عضویت داشتند . در ابتدا وظیفه و حدود کار این انجمن دقیقاً " معلوم نبود ولی بعداً " از طرف آمریکاییان اعلام شد که این گروه کار پیاده کردن و نظارت دقیق بر جریان رفورم پولی را بعهده خواهد داشت . تا آخرین روز تحقق رفورم پولی این افراد در همان جا تحت نظر بودند عملاً " این انجمن سری ۴۹ روز ادامه داشت و در طی بیست جلسه طولانی بحث روزانه مقامات آمریکایی و فرانسوی و انگلیسی به نمایندگی افسر فرمانداران نظامی در آنجا شرکت و نظارت داشتند که نقش تنن باوم Tenenbaum افسر آمریکایی تعیین کننده بود . از جمله مقررات این انجمن این بود که در مورد رفورم پولی نه کارشناسان دهگانه آلمانی و نه احزاب سیاسی آن کشور در این ماجرا مسئولیتی نداشتند بلکه مسئولیت تنها بعهده فرماندهان نظامی اشغالگر بود . در این انجمن مقرر شده بود روی برنامه همبورگ و داج که مولم اسمیت دقیقاً " کار شود و در رفع اختلاف نظر بین کارشناسان آمریکایی و آلمانی کوشش بعمل آید بعلاوه اعضاء انجمن باید

بکشند بین رفورم پولی و حل مسائل مربوط به تسویه و جبران خسارت ناشی از آن رابطه برقرار کنند. طبق گزارش هانس مولرتنها عضو در قیدحیات انجمن، جمعا " ۳۲ طرح و قانون برای اجرای رفورم پولی مورد بررسی و تصویب قرار گرفت و کوشید کلیه مسائلی را که در جریان پیاده کردن رفورم پولی پیش خواهد آمد مورد بررسی قرار دهد. از جمله قوانین مصوبه انجمن چهار قانون تعیین کننده زیر بود ۱ - قانون رفورم پولی که تصویب نهائی آن در ۱۹۴۸/۶/۱۹ (شب انجام رفورم) از تصویب گذشت ۲۰ - قانون چاپ و نشر اسکناس که اختیار آنرا به بانک ایالات آلمان واگذاشت ۳ - قانون تبدیل پولی که یکم هفته پس از رفورم به تصویب رسید ۴ - قانون حسابهای ثابت که در اکتبر ۱۹۴۸ به تصویب رسید.

استقرار بانک مرکزی:

بدون تردید سالم سازی سیستم پولی آنها در نظام اقتصاد آزاد مبتنی برعلاق و خواسته های متعدد فردی وجود یک بانک مرکزی قوی و کارآرا و مستقل را ضروری و بلکه بسیار لازم می نماید بویژه اگر در نظر بگیریم که در آن موقع اندیشه های نفولیرالها برهبری والتراویکن Walter Eucken و ویلهم روپکه W. Ropke در فضای بازسازی آلمان موج میزد و همگی آنان معتقد بودند برای استقرار یک نظام اقتصاد بازار کارآرا و کارگشا وجود یک بانک مرکزی مستقل و مقتدر شرط اساسی است. قوای اشغالگر هم به این نتیجه رسیدند که برای سالم سازی سیستم پولی و انجام موفقیت آمیز رفورم پولی وجود بانک مرکزی، مطلوب لازم است به همین جهت در مارس ۱۹۴۸ تشکیل بانک ایالت آلمان یا BdL (۲۰) را بمنزله بانک مرکزی دو منطقه غرب اعلام کردند بدیهی است هر یک از این قدرتها مایل بود شیوه و الگوی بانک مرکزی کشور خود را در آنجا پیاده کند، قبل از آن از طرف آمریکایی ها و فرانسوی ها و انگلیسی ها در مناطق تحت اشغالشان بانک مرکزی ایالت L. Z. B (۲۱) تشکیل شده بود که این بانکهای مرکزی غیر از بانک ایالات پیش گفته است. بانک ایالات آلمان در حقیقت بصورت شعبه مرکزی بانکهای مرکزی ایالات یاد شده تشکیل گردید بویژه که هنوز برای سپردن کار بانکها، به افراد آلمانی و دادن استقلال عمل به آنان از طرف متفقین، آمادگی وجود نداشت بانک ایالات آلمان بر اساس الگوی فدرال رزرو آمریکا طرح ریزی شد و در ۴۸/۳/۲۵ بجای بانک های ایالات تشکیل گردید. ایالات تحت اشغال فرانسه بعدا " به آن پیوست و بطوریکه می دانیم در سال ۱۹۵۷ بانک مرکزی آلمان یا بوندس بانک Bundes bank بجای بانک ایالات آلمان

B.D.L. نقش بانک مرکزی را به عهده گرفت و اداره کامل آن بخود آلمانها واگذار گردید بهر حال بانک ایالات آلمان در موقع رفورم پولی نقش بانک مرکزی را بر عهده داشت و در ۱۹۵۰/۷/۱۶ نیز حق چاپ و نشر اسکناس به آن واگذار شد بانک مرکزی آلمان مهمترین هم آهنگ کننده جریانات پولی در موقع لزوم بود و از استقلال خاصی برخوردار بود هر چند وجود کنکلاو و همومبورگریلان تا حدی از استقلال آن می کاست ولی متفقین مراقب بودند طرح های پولی لطمه ای به استقلال بانک مرکزی وارد نیاورد بویژه که دو نفر از اعضای کنکلاو به عضویت در مدیریت بانک مرکزی انتخاب شدند یکی هانس مولر و دیگری بودچییز Budczies . در این جالازم است اضافه شود که . رفورم پولی چون با اصلاحات عمیق اقتصادی و پیاده کردن اصول موضوعه نظام اقتصاد اجتماعی بازار توسط لودویک ارهارد L. Erhard و آلفرد مولر آرماک A. Müller-Armack توأم و هم آهنگ شد با موفقیت قرین گردید که این موضوع خود بحث جداگانه ای را می طلبد که خارج از بحث کنونی است ولی تاکید روی این مطلب هم ضروری است که شخص ارهارد در پیاده کردن و اجرای رفورم پونی نقشی نداشت . علاوه بر این رفورم پولی بگفته پرفسور ونت Wendt دارای مراحل اجرایی پیچیده و غامض بود بدین معنی که در تمام مراحل اجرای آن از قواعد و مقررات واحد و یکسان پیروی نمی شد به عبارت دیگر همه افراد و گروهها و سازمانها به یک نسبت مشمول آن نمی شدند و همین امر کار تشریح آنرا مشکل می کند پس از جنگ جهانی دوم خیلی از دولتها بر رفورم پولی دست زدند ولی خشن ترین آن بدون تردید در آلمان واقع شد چرا که بر اثر تامین مالی جنگ و افزایش بسیار زیاد حجم پول وضع بفرنجی بوجود آمده بود بطوری که محاسبات ملی اصلا " مقدور نبود رفورم پولی در آن واحد سه هدف اصلی را تعقیب می کرد : الف : مسایل پولی تولیدات اقتصادی را حل کند و حدود و میزان وسایل پرداخت و تشکیل ثروت را روشن نماید . ب : کار محاسبه سود و سود آوری در محاسبات ملی را انجام دهد . ج : به مسائل ضررها و خسارات ناشی از جنگ و خود رفورم توجه نماید . جالب است که در خود قانون رفورم پولی واحد جدید پول یعنی دوپچه مارک (DM) که مرکب از صد پفنینگ Pfennig بود دقیقا " تعریف و از نظر سنجش عبار آن مشخص نشده بود (۲۲) در تبدیل پول جدید به پول قدیم یعنی رایشه مارک بین مطالبات دیون خاتمه یافته و دیون مطالبات جاری فرق گذاشته شده بود در مطالبات و دیون جاری نظیر مردها ، حقوق و مال الاجاره هایک مارک قدیم به یک مارک جدید مبادله شد در حالی که در تبدیل دیون و مطالبات خاتمه یافته ده مارک قدیم به یک مارک جدید تبدیل می شد و در این مورد هم بین مطالبات و ادعاهای مربوط به تشکیل ثروت و موجودی صندوق ها فرق گذاشته

می‌شد تبدیل پول بمنزله یک ارزش‌کاهی واقعی پول (۲۳) نبود .

چگونگی اجرای رفورم پولی: اگر بخواهیم جریان رفورم پولی آلمان فدرال را به ساده‌ترین و خلاصه‌ترین عبارت بیان کنیم ، مطلب از این قرار خواهد بود: a - تمام افراد و مصرف کنندگان و کسانیکه به نحوی از انحاء با مصرف سروکار داشتند در برابر تحویل ۶۰ ، مارک قدیم ۶۰ مارک جدید براساس تبدیل یک به یک دریافت می‌کردند که ۴۰ مارک آن نقداً تسلیم می‌شد و ۲۰ مارک آن ۲ ماه بعد . این پول ، پول سرانه بود .

b - کسانیکه با امور تجارتي و شرکتها سروکار داشتند یعنی اشخاص حقوقی ، اتحادیه‌های اشخاصی که ثبت شده بودند ، گروههای صنفی و حرفه‌ای و کشاورزی و دارندگان مشاغل آزاد به تعداد هر نفر شاغل در موسسه خود ۶۰ مارک جدید در برابر تحویل ۶۰ مارک قدیم دریافت می‌داشتند . c - موسسات اقتصادی بخش عمومی بدین ترتیب پول دریافت می‌کردند: بانکهای استان موظف شدند به تمام تاسیسات بخش عمومی واقع در حوزه‌اداری شان مبلغی برابر $\frac{1}{6}$ درآمدهای قطعی‌شان از تاریخ ۴۷/۱۰/۱ تا تاریخ ۱۹۴۸/۳/۳۱ بپردازند (نهایت در برابر تحویل هر مارک قدیم به مارک جدید) راه آهن ، پست نیز بر همین منوال از بانک مرکزی پول دریافت می‌کردند .

و اما حسابهای مربوط بدولت رایش سوم (هیترلر) ، دارندگان این حسابها موظف شدند کلیه مطالبات و بستانکاریهای خود را برایش مارک تا تاریخ ۱۹۴۸/۶/۲۶ بیکی از بانکهای مخصوص تحت عنوان Abwicklungs-bank اطلاع دهند یا نقداً تسلیم نمایند حساب بستانکاریهای این دسته بنوبه خود به چهار گروه تقسیم می‌شد: گروه اول کلیه بستانکاریها را باستثنای شخصیتهای حقوقی و جمعیتهای خاصی را در برمی‌گرفت که مطالبات آنها براساس ده مارک قدیم به یک مارک جدید تبدیل می‌شد که نصف آن فوراً و نصف دیگر به حساب ثابت مخصوصی واریز و مسدود می‌شد بعداً " به موجب قانون خاصی از این پول حسابهای ثابت مخصوص به سادگی ۷ مارک آن از هر ده مارک خط می‌خورد و حذف می‌شد و ۲ مارک به حساب آزاد دیگری واریز می‌گردید و یک مارک هم به حساب تشکیل سرمایه و تاسیسات میان مدت و دراز مدت واریز می‌شد رابطه تبدیل در این مورد تا حد ده مارک قدیم به ۰/۶۵ مارک جدید یعنی ۶/۵: ۱۰۰ تخفیف و تقلیل می‌یافت که بعداً " برای کسانی که پول خود را در حسابهای پس‌انداز عمومی و پس‌انداز مسکن و موارد دیگر تشکیل سرمایه کار انداخته بودند این رابطه تبدیل ده مارک قدیم به ۲ مارک جدید بود . گروه دوم: حسابهای بستانکاری قدیمی بودند که همگی به یکباره می‌بایست حذف و باطل شوند ولی برای گردش کارشان پول نقد مورد نیاز را از طرف بانکهای مجاز دریافت

می‌کردند. گروه سوم: شامل حساب بستانکاری راه آهن و پست و شعبه های حزب ناسیونال سوسیالیست NSDAP و وابستگان به حکومت های نظامی گذشته، بوده که کلیه مطالباتشان باطل می‌شد حتی کسانی که بنحوی از انحاء در تامين مالی جنگ کمک کرده بودند و بستانکاریهای داشتند تمام این بستانکاریها باطل اعلام شد و اما گروه چهارم حساب بستانکاریهای بود که صاحبان آنها در قلمرو رفورم پولی اقامتگاه نداشتند و خارج از محدوده بودند که دارای مطالباتشان بر اساس ۱۰ به یک تبدیل می‌شد، همچنین اسناد قرضه عمومی و بانک های رهنی و سایر مطالبات و دیون از این قبیل به نسبت ۱۰ به یک تبدیل می‌شد ولی کسانی که بنحوی در گذشته به تشکیل سرمایه دست زده بودند بر اساس تبدیل ۱۰ به ۲ با آنان رفتار می‌شد، ملاحظه می‌شود که جریان رفورم پولی یکدست و خالی از غموض نبود و اما ضروری است که چند توضیح بر مطالب بالا افزوده شود.

۱ - مهمترین مساله در رفورم پولی تنظیم مطالبات و حسابهای بستانکار حکومت رایش سوم در سیستم بانکی بود این تنظیمات و مقررات تا آن حد که بجریان پولی مربوط می‌شد یکی تبدیل پول قدیم به پول جدید بود دیگری تجهیز موسسات دولتی با پول جدید اصولاً "پول جدید از لحاظ مقداری به حدی محدود شده بود که تقارن بین تقاضای پولی از یک طرف و عرضه کالاها موجود و در اختیار از طرف دیگر آنها در سطح قیمت های جاری، برقرار شود و مصرف کنندگان خصوصی را تا آن حد با پول جدید مجهز و بی نیاز کنند که رابطه محکمی بین موجودی پول قدیم و جدیدشان برقرار باشد اما برای بخش عمومی این تجهیز پولی برحسب درآمدهای کنونی شان و نیازهای فوری پس از رفورم برقرار گردید از آنجا که چنین عملیاتی بزمان نیاز داشت و از طرف دیگر زندگی اقتصادی در یک اقتصاد آزاد بدون در اختیار داشتن مقدار کافی وسیله پرداخت یعنی پول فلج می‌شد لذا یک نوع تجهیز پولی موقت و فوری در حجم محدود پیش بینی شده بود براین اساس و فلسفه در روز انجام رفورم پولی یعنی ۲۰ ژوئن ۱۹۴۸ همه اشخاص حقیقی مبلغ سرانه ۴۰ مارک جدید در برابر مبادله ۴۰ مارک قدیم در باجه های توزیع کالاها و جیره بندی دریافت می‌کردند و دو ماه بعد هم ۲۰ مارک بقیه تبدیل می‌شد.

۲ - تمام پولهایی که پس از پرداخت پول سرانه یاد شده در بالا نزد افراد موجود بود اعم از اسکناس یا اسناد و اوراق بهاء دار و قرصه های عمومی و اسناد پولی بجریان انداخته شده از طرف حکومت های نظامی اشغالگر، می‌بایستی از طرف دارندگان آنها که ساکن قلمرو پولی بودند فوراً "بیکی از باجه های مبادله پولی نزدیک تحویل داده شود و همراه آن پرسشنامه ای شامل مشخصات صاحبان آن مبالغ پر شده و تحویل گردد که از

طرف بانک یا موسسه تحویل گیرنده تاکید می‌شد و پول آن بحساب مخصوص Abwicklungsbank (بانک پایان کارایش) واریز گردد به این ترتیب مبلغ سرانه و مبلغ مورد نیاز موسسات تجارتي و توليدي و مبالغی که باید فوراً آزاد می‌شد در نظر گرفته می‌شد.

۳ - برای کلیه مبالغ پول رایش مارک که بشرح بالا وضع آنها روشن نشده بود در سیستم مبادله رفورم پولی، مبادله براساس صد مارک قدیم به ده مارک جدید یعنی 10DM:100RM انجام گرفت بدین ترتیب که از ده مارک دویچه مارک (ده مارک جدید) پنج مارک آن در حساب آزاد پرداخت کننده واریز می‌شد و او فوراً آن را دریافت می‌کرد و پنج مارک در حساب ثابتی که موقتاً در اختیار او نبود واریز می‌گردید. در اکتبر ۱۹۴۸ یعنی پنج ماه پس از رفورم پولی قانونی در مورد این پولهای حسابهای ثابت به تصویب رسید که فقط قسمتی از آن در اختیار دارندگان پول قرار می‌گرفت باین ترتیب که از صد مارک قدیم پس از پرداخت ۵ مارک جدید اولیه مبلغ یک مارک جدید دیگر بدارندگان آن پرداخت می‌شد و نیم مارک جدید (DM) به حساب ثابت دیگری بعنوان حساب تشکیل سرمایه (۲۴) واریز می‌گردید (بنام همان فرد) و مبلغ ۳/۵ مارک جدید دیگر باطل اعلام می‌گردید یعنی عملاً "صد مارک قدیم به ۶/۵ مارک جدید تبدیل می‌شد حساب نیم مارک (تشکیل سرمایه) تا تاریخ ۳۱/۱۲/۱۹۵۳ هکلی مسدود بود و در این تاریخ امکان بکار انداختن آن در طرحهای سرمایه گذاری خاص فراهم آمد.

۴ - غیر از موارد خاص بالا قاعده اساسی و عمومی تبدیل ۱۰۰ به ده یا ۱۰ مارک قدیم بیک مارک جدید رعایت نشده عبارت دیگر مصلحت گرائی برای اجرای عدالت و برابری حقوق افراد چربید، از طرف دیگر در پیش گرفتن ضوابط متعدد برای مبادله از لحاظ تعقیب هدفهای اجتماعی نیز جالب بود توضیح اینکه در مبالغ تبدیلی کم دفاع از محرومان و افراد کم درآمد کاملاً رعایت می‌شد مثلاً "در یک خانواده شش نفری که مجموعاً ۳۶۰ مارک قدیم داشتند می‌توانستند آنرا به ۳۶۰ مارک جدید یعنی دویچه مارک مبادله کنند یعنی رابطه مبادله درست برابر ۱:۱ بود باین ترتیب عدالت رعایت می‌شد.

۵ - بازسازی مالی و تجدید حیات بانکها و موسسات پولی و اعتباری و بیمه‌ها و صندوقهای پس انداز مسکن بر حسب وضعیت مالی و سرمایه های گذشته آنها انجام نگرفت بلکه بر این اساس که قابلیت و توانائی سیستم اعتباری کشور در آینده چگونه خواهد بود توضیح این مطلب بدین قرار است: این موسسات از یک طرف در ستون بستانکاری خود مقادیر زیادی اوراق بها دار و اسناد و خزانه اوراق قرضه دولتی داشتند که همه بی ارزش

شده بود از طرف دیگر این موسسات در ستون بدهکاری ها از تعهداتشان مبرا و فارغ شناخته شده بودند که وقتی همه اینها را در مقابل هم قرار می‌دادند باز مبلغی از بستانکارهای شان باقی می‌ماند که بصورت شکاف یا سطح جبران نشده (۲۵) وجود داشت و همین مبالغ برای بانکهای ایجاد مطالبات و حقوق تسویه و جبرانی (تعذیلی) (۲۶) ایجاد می‌کرد که برای تجهیز این موسسات به وسایل پرداخت جدید، علاوه بر سرمایه های خاص خود آنها (اموال و املاکشان) کافی بود و این حقوق جبرانی برسمیت شناخته شد و معادل آنها پول جدید در اختیارشان قرار گرفت. برای اینکه این موسسات بتوانند از شرایط برابر آغاز کنند سرمایه و اموالشان به نسبت درصد معینی تبدیل به دوپچه مارک و پرداخت می‌شد بعد از آنکه معلوم گردید بعضی از این موسسات ازین تبدیل زیان دیده‌اند در ارزیابی مجدد دارائی‌ها و اموالشان، مبالغ آنها را بالا بردند. برای ایجاد نقدینگی، بانکها و موسسات پولی از بانکهای ایالات و بابت بستانکاری خود مبلغی معادل ۱۵ درصد سپرده‌های دیداری و ۷/۵ درصد سپرده‌های مدت‌دار (پس از تبدیل) پول جدید دریافت می‌کردند و با همان شروع به کار می‌کردند.

آثار و نتایج رفورم پولی: رفورم پولی که با رفورمهای اقتصادی ارهارد و اعمال سیاست عمومی قابل انعطاف اقتصادی همراه بود نتایج و آثار مثبت زیادی ببار آورد که به پاره‌ای از آنها در زیر اشاره می‌شود:

۱- کل مقدار پول نقدی که به هنگام رفورم پولی تحویل شد بالغ بر ۱۳/۵ میلیارد رایش مارک می‌شد مبلغ پول اعلام شده در حسابهای جاری بانکها در موقع مبادله ۱۱۰ میلیارد رایش مارک بود که ۷۳ میلیارد توسط اشخاص حقیقی و در بستانکاری حساب آنان موجود بود و ۳۷ میلیارد در حساب بستانکاری اشخاص حقوقی و بیمه‌های اجتماعی. در پایان مبادله یعنی آخر ژوئن ۱۹۴۹ پول جدید در جریان بالغ بر ۴/۴ میلیارد دوپچه مارک بود که پس از پرداخت قسط دوم پول سرانه این رقم به ۶/۷ میلیارد مارک رسید. پس از رفورم پولی بطور کلی مبلغ ۱۳ میلیارد مارک جدید یعنی دوپچه مارک وارد جریان گردید بازترین جلوه پولهای جدید افزایش سرعت گردش آنها بود که مصداق بازاری از صحت نظریه مقداری پول در شرایط آنروزی اقتصاد آلمان فدرال بشمار می‌رفت.

۲- احیاء نیازها در بازار بلافاصله و خیلی سریع پس از رفورم پولی بچشم می‌خورد بدین صورت که خریدهای فوری شروع شد و در بازار تقاضا در برابر عرضه زیاد غیر عادی و حیرت‌آور کالاها قرار گرفت (بعلت کمبود پول) بطوریکه انبارها به سرعت خالی شدند و کالاهای احتکار شده جملگی به بازار آمده بفروش رفتند با وجود این وضع قیمت‌ها در

ابتدا آرام بود علت هم اعتماد زیادی بود که به پول جدید در اذهان حاصل گشته بود و اوایل امر انتقال و گذراز اقتصاد برنامه‌ائی متمرکز دولتی نازیها به نظام اقتصاد اجتماعی بازار ارهاردون و ثولیرالهانقش تعیین کننده داشت پس از چندی مقدار پول در جریان بر اثر تبدیل و تعویض زیاد شد و عرضه کالاهای موجود در انبار به ته کشید و تولیدات نتوانستند هجوم بی سابقه تفاضاً راجیران کنند لذا سیر سریع افزایش قیمت‌ها شروع شد و باز احتکار کردن کالاها آغاز گردید این امر خود نشانگر آنست که رفورم پولی به سادگی و در مسیر همواری ادامه نیافت و مشکلات اجرای آن زیاد بود. قیمت کالاهای مصرفی از شاخص ۱۵۰ (سال پایه ۱۰۰ = ۱۹۳۶) در موقع رفورم پولی به ۱۸۵ در پایان سال ۱۹۴۸ و قیمت کالاهای تولید اساسی از ۱۵۰ به ۱۹۰ رسید بطوریکه بانک مرکزی آلمان در پاییز سال ۱۹۴۸ خود را ناگزیر به اتخاذ سیاست انقباضی شدید دید که تا سال ۱۹۴۹ ادامه یافت (۲۷).

۳ - گسترش نسبتاً "مساعد سیر قیمت‌ها که بر اثر افزایش مصرف ایجاد شده بود برای تولید کنندگان سود آور بود و نتیجه آن بکار افتادن قدرت عظیم تامین مالی داخلی و خودیاری مالی موسسات اقتصادی و تولیدی و رونق گرفتن فعالیت‌های سرمایه گذاری بود از جمله عوامل این موفقیت، داخل شدن آلمان به عرصه مبادلات جهانی بود نرخ برابری پول آلمان که در ۴۸/۵/۱ از طرف JEIA (۲۸) وابسته به قوای اشغالگر یک دلار برابر ۳/۳۳ دوپچه مارک قرار گرفته بود ادامه یافت ولی این نرخ با کاهش لیره استرلینگ در ۴۹/۹/۱۹ به یک دلار برابر ۴/۲۰ مارک تغییر کرد که کاهش حدود سی درصد دوپچه مارک را نشان می‌دهد و نشانگر آن بود که سیاست‌گذاران اقتصادی در تعیین برابری پول داخلی به دلار تعصبی ندارند و واقعیات را با همه تلخی‌اش می‌پذیرند.

۴ - یکی دیگر از نتایج رفورم پولی ضرورت بازنگری در سیاست مالی و مالیاتی بود که در حقیقت در آنهم رفورم کوچکی انجام شد بدین صورت که قانون مالیاتی مصوب ۱۹۴۸/۶/۲۲ نرخ مالیات زیاد (به مصرف و مالیات غیر مستقیم) را تخفیف داد همچنین نرخ مالیات بردرآمد و ثروت تنزل کرد و این امر به آن مقصود بود تا فضای مساعد برای تشویق و ادامه فعالیت بخش خصوصی و اعتماد او فراهم گردد و اینکار وقتی عملی شد و موثر افتاد که دولت بودجه متعادلی به تصویب رسانید و فضای اعتماد را تقویت کرد.

۵ - آثار رفورم در سیاست‌های اعتباری و پولی: از آنجا که بانک‌های پس از رفورم پولی می‌بایستی از طریق اعتبار گرفتن از بانک مرکزی تغذیه و تامین شوند لذا نرخ بهره‌کار کرد اقتصادی خود را باز یافت و نشانگر خوبی برای فعالیت‌های اقتصادی آنها گردید

سیاست حداقل ذخیره بصورت ایزارکاری موثری در اختیار بانک مرکزی قرار گرفت نرخ حداقل ذخیره بانکها در نزد بانک مرکزی در ابتدا ده درصد سپرده‌های دیداری و پنج درصد سپرده‌های مدت دار و پس اندازها برقرار گردید قابلیت نقدینگی بانکها که بمیزان ۱۵ درصد تعهدات دیداری و ۷/۵ درصد تعهدات مدت دار و پس اندازها تعیین شده بود در مقایسه با نرخ ذخیره آنها در نزد بانک مرکزی بالا بود بانکها موظف بودند برای تامین مالی نیازهای خود از بانک مرکزی اعتبار بگیرند و بهمین جهت عنان اختیار آنها محکم در دست بانک مرکزی بود. مشکلات این دوره ضعف بازار سرمایه بود که با اقدامات تدریجی بعدی تا حدی برطرف شد.

۶- رفورم پولی و توام با آن رفورم اقتصادی بزرگترین ضربه را به دلان بازارهای سیاه و سوداگران انواع سفته بازیها مخصوصاً "دارندگان پول نقد فراوان وارد کرد چرا که این ۹۳/۵ درصد پول موجود در دست آنان بود که بیکباره از بین رفت بعلاوه توزیع عادلانه و برابر پول سرانه بمیزان ۶۰ مارک در ابتدا، زمینه بسیار مساعدی برای رفورم های اجتماعی و تلاش در توزیع متوازن درآمدها در مراحل بعدی بازسازی اقتصادی آن کشور، ایجاد کرد. بزرگترین ایرادی که بر رفورم پولی آلمان وارد کردند این است که زمان اجرای آن دیر شده بود یعنی آلمان می توانست رفورم پولی خود را در سال ۱۹۴۶ انجام دهد. همانطور که در بالا اشاره شد پس از جنگ در کشورهای دیگر اروپا از جمله بلژیک، اطریش، فرانسه و غیره... رفورم پولی نیز انجام شد که هیچکدام از نظر شدت عمل و ایجاد تحول مطلوب اقتصادی بپایه رفورم پولی آلمان غربی نمی رسد که بحث در این باره خارج از موضوع مورد مطالعه ماست، تاثیر مثبت رفورم پولی آلمان را در توسعه و بازسازی اقتصادی این کشور پس از جنگ در جدول زیر در مقایسه با کشورهای پیشرفته صنعتی دیگر بوضوح می بینیم: (۲۹). نیاز به تکرار نیست که امروز مارک آلمان جزو دو سه پول قوی و معتبر دیناست و حدود ۱۵ درصد مبادلات جهانی با آن انجام می گیرد.

افزایش سالانه درصد	افزایش سالیانه ذخایر طلا و ارزها به میلیون دلار در طی سالهای ۱۹۵۰ تا ۱۹۶۰		افزایش سالیانه رشد افراد شاغل از ۱۹۵۲/۳ تا ۱۹۵۸/۶ به درصد	میانگین افزایش تورم (بر مبنای شاخص هزینه زندگی) سال ۱۹۵۰ تا ۱۹۶۰	میانگین آهنگ رشد سالیانه تولید خالص ملی واقعی ، قیمت سالهای ۱۹۵۰ تا ۱۹۶۰ به درصد	
۴۳/۵	۷۰۳۳	۱۹۰	۲/۲	۱/۹	۷/۸	آلمان فدرال
۱۵/۹	۳۲۵۱	۷۴۱	۰/۷	۳/۰	۵/۶	ایتالیا
۱۳/۱	۱۸۶۱	۵۴۳	۱/۱	۳/۱	۴/۷	هلند
۱۱/۱	۲۲۷۲	۷۹۱	۰/۰	۵/۶	۴/۶	فرانسه
۶/۲	۵۲۸	۲۸۹	۰/۲	۴/۷	۳/۴	سوئد
۱۱/۴	۲۸۶	۹۷	۱/۰	۳/۲	۳/۳	دانمارک
۲/۲	۱۹۳۵۹	۲۴۲۶۶	۰/۵	۲/۱	۳/۲	امریکا
۹/۳	۳۰۸	۱۲۶	۰/۰	۴/۵	۳/۲	نروژ
۰/۸	۳۷۱۹	۳۴۴۳	۰/۵	۳/۴	۲/۷	انگلستان

توضیحات و حواشی:

- 1- Soziale Marktwirtschaft = The social Market Economy =
Économie Sociale de Marché.
 - ۲- برای آگهی بیشتر مراجعه کنید به تحقیق مفصل نگارنده تحت عنوان: چگونگی
بازسازی اقتصاد آلمان فدرال پس از جنگ، از انتشارات دانشگاه تهران ۱۳۶۸.
 - 3- Lampert, H. Die Witschaft der BRD in: Hd WW. Bd.9.S.7.
5 Stuttgart N.Y. 1988.
 - 4- Stolper. G. Die deutsche Wirklichkeit, Hamburg, 1949.
s. 159.
 - 5- Fischer, W. Wirtschahaftsgechichte Deutnldands, 1919-
1945. in:HdWW. Bd 9. s.91.
 - 6- Lampert. H. Die. Wirtschaft... s.707.
 - 7- GARIDA=Government Appropriation and Relief in Occupied
Areas. CARE= Cooperativ for American Remittances for
Europe.
 - 8- Lampert, H. Die Wirtschaft.... s.706.
 - 9- Priesstopp= Price freezing=Blocage des prix.
- انجماد یا ترمز قیمت (دکتر منوچهر فرنیگ، فرنیگ، علوم اقتصادی). این اصطلاح
بنوعی از قیمت گذاری دولتی اطلاق می شود که حداکثر قیمت کالا را با تعیین تاریخ شروع
آن معین می کنند و در حقیقت شدیدترین نوع دخالت دولت در سیاست قیمت گذاری است.
- 10- Devisenbewirtschaftung=Currency restsiction=Contrôle
des changes.
نظارت کامل دولت بر کلیه مبادلات ارزی و انحصار بازرگانی خارجی.
 - 11- Reichtitel
 - 12- Autarkie.
- ۱۳- برای تعیین دقیق رقم حجم پولی دوره حکومت نازی رقم واحدی نیست. پروفسور زاورمان
که خود از اعضای اولیه شورای اقتصاد آلمان بوده رقم بالا را ذکر می کند. هنری -
والیش محقق آمریکائی از رقم ۱۱۰ میلیارد مارک صحبت می کند پروفسور هالر استاد

آلمانی اقتصاد در دانشگاه زوریخ رقم دیگری ذکر می‌کند. در این نوشته ارقام زاورمان ملاک بررسی قرار گرفت. برای اطلاع بیشتر رجوع کنید به:

- a- Wallich, H.C. Trieb-Kräfte des Deutschen Wiederaufstiegs, Frankfurt/M. 1955.
- b- Haller, H. Währungs - und Wirtschaftsreform, in: Orientierungen, Bonn, Juni 1988.
- c- Sauer mann, H. Währungsreformen in HdSW. 1961 Bd. 11- Stuttgart, N.Y.
- 14- Bizone
- 15- Hans Möller: Die Westdeutsche Währungsreform von 1948. in: Deutsche Bundesbank: Wahrung und Wirtschaft in Deutschland 1876-1975. Frankfurt /M. 1976. s. 433.
- 16- Geldschöpfung.
- 17- Lastenausgleich.
- ۱۸- بعلت کمبود جا از ذکر اعضای انجمن سری خودداری میشود.
- 19- Der Wissenschaftliche Beirat im Bundesministerium für Wirtschaft.
- 20- Bank deutscher Länder=Bd L.
- 21- Landeszentralbank=L. Z.B.
- 22- Wendt, S. Währungsreform in: Dr. Gablers: Wirtschaftslexikon, Bd 2. Wiesbaden 1962. s. 1662.
- 23- Devaluation=Abwertung.
- 24- Anlagekonto.
- 25- Lucke
- 26- Ausgleichforderungen
- ۲۷- برای اطلاع بیشتر رجوع شود به تحقیق جداگانه نگارنده درباره باز سازی اقتصاد آلمان فدرال پس از جنگ بشرح بالا.
- 28- JEIA=joint Export-Import Agency.
- 29- Durr. Ernst. Historische Erfahrungen über Wirtschaft

ftspolitik des BRD in: Horst Siebert: Perspektiven.
der deutschen Wirtschaftspolitik, Stuttgart 1983.